

میلیون ها نفر به دلایل بسیار متنوعی در خرید و فروش های بازار، مشارکت دارند. از این دلایل می توان به شرح زیر نام برد:

امید به کسب در آمد، ترس از زیان، پیامد های مالیات، انگیزش های توقف زیان، انگیزش های هدف قیمت، تحلیل بنیادی، تحلیل فنی، توصیه های کارگزار و ده ها دلیل دیگر.

تلاش برای فهمیدن آنکه چرا افراد مبادرت به خرید و فروش می کنند، می تواند فرآیند پیچیده ای باشد. الگوهای نموداری با ادغام کردن نیروهای عرضه و تقاضا در یک تصویر فشرده، کل خرید و فروش را در معرض دید قرار می دهند. این الگوها به صورت یک سابقه تصویری کامل از همه معاملات، چهارچوبی برای تحلیل مبارزه بین عرضه و تقاضا فراهم می آورند. از همه مهم تر الگوهای نموداری و تحلیل فنی می توانند به تشخیص آنکه کدام طرف پیروز این مبارزه است، کمک کنند تا معامله گران و سرمایه گذاران موقعیت خود را طبق آن انتخاب کنند. تحلیل های الگویی نمودار برای پیش بینی های کوتاه مدت و بلند مدت به کار می روند. داده ها می توانند ساعتی، روزانه، هفتگی، یا ماهانه بوده و الگوها می توانند به کوتاهی یک روز یا به بلندی چند سال باشند.

شناسایی الگو می تواند دارای تعبیر مختلفی باشد که این تعبیر نیز دستخوش غرایض شخصی هستند. برای مقابله با گرایش ها و غرایض شخصی و تأیید تفاسیر مربوط به الگو، باید دیگر جنبه های تحلیل فنی را جهت تأیید یا تکذیب برداشت های موجود به کار گرفت. با اینکه بسیاری الگوها از نظر ماهیت شبیه به هم به نظر می رسند اما هیچ دو الگویی کاملاً یکسان نیست. شکست های کاذب و استثناهای قانون، همگی در آموزش پیش رو لحاظ می شوند.

دو اصل اساسی تحلیل فنی آن است که قیمت دارای گرایش است و تاریخ خود را تکرار می کند. یک گرایش صعودی نشانه آن است که نیروی تقاضا کنترل را در دست دارد و در یک گرایش نزولی، نیروهای عرضه کنترل را در دست دارند. با این حال قیمت تا ابد دارای گرایش نیست و با جابه جایی موازنه عرضه و تقاضا، یک الگویی نموداری پدید می آید. الگوهای خاص، نظیر کانال موازی، حاکی از گرایش قوی هستند. با وجود این بخش عمده الگوهای نموداری در دو گروه اصلی قرار می گیرند:

- الگویی تغییر جهت (وارونگی یا Reversal): شکل هایی که بر روی نمودار قیمت به تدریج تشکیل می شوند و نشانه تغییر در گرایش هستند و می توانند به ساختارهای تغییر گرایش به بالا و پائین تقسیم شوند.
- الگویی تداوم (Continuation): الگوهای تداوم نشانه توقف در گرایش هستند و نشان می دهند جهت قبلی پس از مدتی دوباره از سر گرفته می شود.

شکل گیری یک الگو پس از یک صعود یا نزول قابل توجه به آن معنای وارونگی آن است. بسیاری از الگوها، از جمله مستطیل می توانند هم در گروه وارونگی و هم در گروه تداوم قرار گیرند. در تکامل الگو بسیاری چیزها به عملکرد قبلی قیمت، حجم و دیگر نشانگرها بستگی دارد. در اینجا است که دانش تحلیل فنی به هنر تحلیل فنی تبدیل می شود.

مثلث متقارن (Symmetrical Triangle)

مثلث متقارن، معمولاً به عنوان یک الگویی تداوم در طی یک گرایش شکل می گیرد. این الگو حداقل شامل دو قیمت بالایی کمتر و دو قیمت پائین بالاتر است. وقتی این نقاط به هم وصل شوند، امتداد خطوط گرایش به هم نزدیک می شوند و مثلث متقارن شکل می گیرد.

با اینکه مواردی وجود دارد که مثلث های متقارن نشانه تغییر گرایش هستند اما اغلب تداوم گرایش جاری را نشان می دهند. صرفنظر از ماهیت الگو، تداوم یا وارونگی، جهت حرکت اصلی بعدی فقط پس از شکست یکی از خطوط مقاومت مشخص می شود. در اینجا هر یک از بخش های مثلث متقارن را جداگانه بررسی می کنیم. به شکل 1-6 دقت کنید، تشکیل چنین مثلثی ممکن است ماه ها به طول بینجامد، ولی خارج شدن از این مثلث علامت بسیار قوی معاملاتی است.



شکل 6-1

تشخیص الگو

- گرایش: تداوم یک الگو مستلزم وجود یک گرایش پایه است که الگو ابتدا توقف گرایش و بعد از تکمیل تداوم گرایش را نشان دهد.
- چهار نقطه: برای تشکیل خط گرایش حداقل دو نقطه و برای تشکیل یک مثلث متقارن حداقل دو خط گرایش لازم است. بنابراین برای شروع، حداقل 4 نقطه مورد نیاز است تا ساختار یک مثلث متقارن محسوب شود. قیمت بالای دوم باید پائین تر از اولی باشد و خط بالایی باید رو به پائین باشد. قیمت پائین دوم باید بالاتر از اولی باشد و خط پائینی باید بالارو باشد. در بهترین حالت، قبل از آنکه شکست رخ دهد، الگو با 6 نقطه شکل می گیرد (سه نقطه در هر طرف).
- حجم: حجم، با گسترش مثلث متقارن و باریک شدن دامنه معامله باید شروع به کاهش کند.
- مدت زمان: مثلث متقارن می تواند چند هفته یا چند ماه ادامه داشته باشد.
- چهارچوب زمانی شکست: نقطه ایده آل شکست بین یک دوم تا سه چهارم مسیر تکمیل الگو است. شکست قبل از یک دوم مسیر، زود هنگام و شکست بسیار نزدیک به راس، فاقد اهمیت است. از این گذشته بعضی مواقع با نزدیک شدن به راس، باید شکست رخ دهد.
- جهت شکست: جهت آتی شکست را فقط می توان پس از آنکه شکست رخ داد، مشخص کرد. با اینکه واضح به نظر می رسد اما تلاش برای حدس زدن جهت شکست می تواند توأم با خطر باشد. اگر چه فرض بر این است که یک الگوی تداوم در جهت گرایش بلند مدت شکسته می شود اما همواره چنین نیست.
- تأیید شکست: برای آنکه شکستی معتبر به شمار آید، باید یک نمودار شمعی از یکی از خط های مقاومت رد شود و نمودار شمعی جدیدی خارج از مثلث تشکیل شود. شکست باید با افزایش حجم همراه باشد.
- بازگشت به راس: پس از شکست (بالا یا پائین)، می تواند به خط مقاومت آینده تبدیل شود. برخی مواقع قیمت قبل از سرگیری حرکت در جهت شکست به راس یا خط مقاومت حوالی آن باز می گردد.
- هدف قیمت: می توان به موازات خط گرایش الگو یک خط گرایش ترسیم کرد که در جهت شکست رو به بالا یا پائین می رود. ادامه این خط، هدف بالقوه شکست را به وجود می آورد.

بعضی اوقات قیمت ها قبل از حرکت دوباره در جهت شکست، به نقطه شکست راس در یک حرکت واکنشی باز می گردند. این بازگشت می تواند فرصت دیگری برای مشارکت در بازار با ضریب خطر کمتر را فراهم آورد. هدف قیمت که توسط امتداد خط گرایش موازی به دست می آید، فقط به صورت راهنمایی نه چندان دقیق عمل می کند. تحلیل فنی پویا بوده و مستلزم ارزیابی مداوم است.

مثلث رو به بالا یک ساختار بالا رو است که معمولاً طی یک گرایش صعودی به عنوان یک الگوی تداوم شکل می‌گیرد. مواردی وجود دارد که این الگو به صورت الگوی وارونگی در انتهای گرایش نزولی شکل می‌گیرد، اما معمولاً الگوی تداوم است. مثلث رو به بالا صرفاً از اینکه کجا تشکیل شود، یک الگوی بالا رو است.

این الگو به دلیل شکل خود، مثلث قائم الزاویه نیز خوانده می‌شود. حداقل دو قیمت بالایی مساوی و دو نقطه پائین صعودی یک مثلث رو به بالا را تشکیل می‌دهند. اگر هر دو خط به سمت راست ادامه پیدا کند، خط گرایش رو به بالا می‌تواند به عنوان وتر مثلث قائم الزاویه عمل کند. اگر از انتهای سمت چپ خط افقی یک خط قائم رسم شود، یک مثلث قائم الزاویه شکل می‌گیرد.



شکل 2-6

تشخیص الگو

- گرایش: برای آنکه الگویی تداوم محسوب شود، باید گرایشی وجود داشته باشد. هر چند که مثلث رو به بالا یک الگوی بالا رو است، طول و مدت زمان گرایش جاری چندان اهمیت ندارد. بیشترین اهمیت در قدرتمندی ساختار است.
- خط افقی بالا: برای تشکیل خط افقی بالا حداقل دو ماکسیمم لازم است. قیمت‌های بالا مجبور نیستند مثل هم باشند اما باید نزدیکی منطقی با یکدیگر داشته و بین قیمت‌های بالا قدری فاصله و یک مینیمم وجود داشته باشد.
- خط گرایش صعودی پائینی: برای تشکیل خط گرایش رو به بالا حداقل دو قیمت مینیمم نیاز است. قیمت‌های مینیمم باید به ترتیب بالاتر باشند و بین آنها فاصله باشد. اگر قیمت پائین جدیدتر با قیمت پائین قبلی برابر و یا از آن کمتر باشد، آنگاه مثلث رو به بالا معتبر نخواهد بود.
- مدت زمان: طول الگو می‌تواند از چند هفته تا چندین ماه باشد.

- حجم: با تکامل الگو، معمولاً حجم کم می شود. وقتی شکست رو به بالا روی دهد، باید برای تأیید شکست افزایش حجمی وجود داشته باشد. با اینکه تأیید حجم ارجح است اما همواره لازم نیست.
- بازگشت به شکست: مبنای اصلی تحلیل فنی این است که مقاومت ها به یکدیگر تبدیل شوند. وقتی خط مقاومت افقی مثلث صعودی شکسته شود، به مقاومت پشتیبان تبدیل می شود. پاره ای اوقات قبل از آنکه حرکت به طور جدی آغاز شود، بازگشتی به این سطح حمایت صورت می گیرد.
- هدف: وقتی شکست اتفاق بیفتد، برآورد قیمت توسط اندازه گیری بلندترین فاصله الگو و اضافه کردن آن به مقاومت شکست به دست می آید. (ضلع A در شکل 2-6)

مثلث رو به بالا برخلاف مثلث متقارن، دارای یک تمایل قطعی بالا رو است. اگر به خاطر بیاورید مثلث متقارن ساختار بی طرفی بود که متکی به شکست قریب الوقوع است تا جهت حرکت آینده را مشخص کند. در مثلث رو به بالا، خط افقی نماینده عرضه است و مانع از آن می شود که سهام از سطح مشخصی فراتر رود. مانند آن است که یک سفارش فروش بزرگ در این سطح قرارداد که انجام آن چند هفته یا چند ماه طول می کشد. بنابراین مانع از افزایش بیشتر قیمت می شود. اگر چه قیمت نمی تواند از این سطح بالاتر رود اما قیمت های پائین به صعود خود ادامه می دهند. این قیمت های پائین بالاتر هستند که نشان از افزایش فشار خرید دارند و به مثلث رو به بالا تمایل بالا رو می دهند.

مثلث رو به پائین (Descending Triangle)

مثلث رو به پائین یک ساختار پایین رو است که معمولاً طی یک گرایش نزولی به عنوان یک الگوی تداوم شکل می گیرد. مواردی وجود دارد که مثلث های رو به پائین در انتهای یک گرایش صعودی به صورت الگوی وارونگی تشکیل می شوند اما آنها معمولاً الگوهای تداوم هستند. مثلث های رو به پائین صرفنظر از محل تشکیل آنها، الگوهای پایین رو هستند. این الگو که از حداقل دو مینیمم هم سطح و دو ماکسیمم پایین رو شکل می گیرد، گاهی اوقات مثلث قائم الزاویه نیز خوانده می شود.



شکل 3-6

- گرایش: برای آنکه الگویی تداوم محسوب شود، باید گرایشی وجود داشته باشد. هرچند که چون مثلث رو به پائین یک الگوی قطعی پایین رو است، طول و مدت زمان گرایش جاری چندان مهم نیست. قدرتمندی ساختار، بیشترین اهمیت را دارد.
- خط افقی پائین: برای تشکیل خط افقی پائین لااقل دو مینیمم لازم است. قیمت های پائین لزوماً با هم برابر نیستند، اما باید با یکدیگر نزدیکی منطقی و بین قیمت های پائین قدری فاصله و یک ماکسیمم وجود داشته باشد.
- خط گرایش نزولی در بالا: برای تشکیل خط گرایش نزولی در بالا حداقل دو ماکسیمم لازم است. ماکسیمم ها باید به ترتیب پائین تر بوده و بین آنها قدری فاصله باشد. اگر قیمت بالای جدیدتر با قیمت قبلی برابر یا از آن بزرگتر باشد، مثلث رو به پائین معتبر نخواهد بود.
- طول مدت: طول الگو می تواند از چند هفته تا چندین ماه متغیر باشد.
- حجم: هر چه الگو تکمیل تر شود، حجم معمولاً کمتر می شود. وقتی شکست رو به پائین روی دهد، بهترین حالت آن است که جهت تأیید، حجم گسترش یابد. با اینکه تأیید حجم ارجح است اما همیشه لازم نیست.
- بازگشت به شکست: یکی از اصول اساسی تحلیل فنی آن است که مقاومت ها قابل تبدیل به یکدیگر هستند. وقتی خط مقاومت افقی شکسته شود، به مقاومت بالا تبدیل می شود. بعضی مواقع قبل از آنکه حرکت پائین به طور جدی آغاز شود، بازگشتی به این سطح مقاومت تازه ایجاد شده، صورت می گیرد.
- هدف: وقتی شکست روی دهد، پیش بینی قیمت را می توان با اندازه گیری بزرگترین طول الگو و کاستن آن از مقاومت شکست انجام داد. (ضلع A در شکل 3-6)

مثلث رو به پائین برخلاف مثلث متقارن، قبل از شکست واقعی یک تمایل قطعی پایین رو دارد. مثلث متقارن ساختار بی طرف است که برای تعیین جهت حرکت آینده به شکست قریب الوقوع متکی است. در مثلث رو به پائین، خط افقی نماینده تقاضا ست و مانع از آن می شود که سهام به پائین تر از سطح خاصی سقوط کند. مانند آن است که در این سطح، سفارش یک خرید بزرگ ارائه شده که انجام آن چند هفته یا ماه به طول می انجامد و بنابراین مانع سقوط بیشتر قیمت می شود. قیمت از این سطح پائین تر نمی رود اما قیمت های بالای واکنشی به نزول ادامه می دهند. این قیمت های بالای پائین تر هستند که حکایت از فشار فروش دارند و به مثلث رو به پائین تمایل پایین رو می دهند.

کانال قیمت (Price Channel)

کانال قیمت یک الگوی تداوم است که شیب رو به بالا یا پائین دارد و خط گرایش بالا و پائین حدود آن را تشکیل می دهد. خط گرایش بالا نشانه مقاومت بالا (Resistance) و خط گرایش پائین نشانه مقاومت پشتیبان (Support) است.



شکل 4-6

تشخیص الگو

- خط گرایش اصلی: برای ترسیم خط گرایش اصلی حداقل دو نقطه لازم است. این خط وضعیت گرایش و شیب را مشخص می‌کند. برای یک کانال قیمت بالا رو، خط گرایش اصلی به بالا امتداد می‌یابد که برای ترسیم آن حداقل دو نقطه مینیمم لازم است. برای یک کانال قیمت پایین رو، خط گرایش اصلی به پایین امتداد می‌یابد و برای ترسیم آن حداقل دو نقطه ماکسیمم لازم است.
- خط کانال: خطی که به موازات خط گرایش اصلی رسم می‌شود، خط کانال نام دارد. برخی تحلیلگران پس از تشکیل خط گرایش اصلی، فقط با استفاده از یک نقطه مینیمم (در گرایش پایین رو) یا ماکسیمم (در گرایش بالا رو) خطی موازی کانال را رسم می‌کنند.
- کانال قیمت بالا رو: تا زمانی که قیمت‌ها در داخل کانال بالا می‌روند، گرایش بالا رو به حساب می‌آید. اولین اخطار تغییر گرایش زمانی رخ می‌دهد که قیمت‌ها از خط مقاومت کانال، پائین‌تر بیایند. شکست زیر خط گرایش اصلی نشانه دیگری برای تغییر گرایش است. شکست مقاومت بالا حکایت از تسریع صعود دارد.
- کانال قیمت پایین رو: تا زمانی که قیمت‌ها در داخل کانال پائین بیایند، گرایش پایین رو محسوب می‌شود. اولین اخطار تغییر گرایش زمانی رخ می‌دهد که قیمت‌ها نمی‌توانند به مقاومت پشتیبان برسند. شکست مقاومت بالا نشانه دیگری از تغییر گرایش ارائه می‌دهد. شکست مقاومت پشتیبان نشان از تسریع نزول دارد.

از آنجا که تحلیل فنی همانقدر که یک علم است، هنر نیز به شمار می‌آید، ظرفیت انعطاف پذیری دارد. بآنکه تماس‌های دقیق خط گرایش ایده آل هستند اما قضاوت در مورد ربط پذیری و تعیین جای خط گرایش اصلی و خط کانال به نظر افراد بستگی دارد. به همین دلیل خط کانالی که دقیقاً موازی خط گرایش اصلی باشد، ایده آل است.

همانگونه که از نام آن پیداست، این الگو شامل دو بخش است، فنجان و دسته. فنجان پس از یک صعود شکل می‌گیرد و شبیه به یک کاسه است. همراه با تکمیل فنجان، یک دامنه معامله در سمت راست ایجاد می‌شود که دسته را می‌سازد. شکست متعاقب از دامنه معامله دسته نشان تداوم صعود اولیه است. (شکل 5-6)

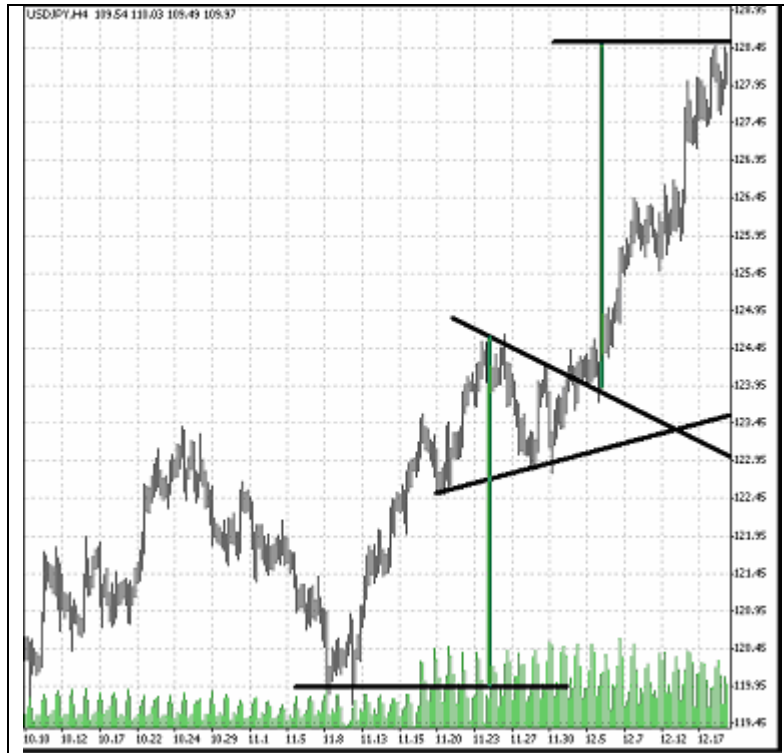


شکل 5-6

تشخیص الگو

- گرایش: برای آنکه الگویی تداوم محسوب شود، باید یک گرایش اولیه وجود داشته باشد. فرض بر این است که عمر گرایش باید فقط چند هفته یا چند ماه باشد. هرچه گرایش بالغ تر باشد، شانس آنکه الگو دارای تداوم با پتانسیل رو به بالا باشد کمتر خواهد بود.
- فنجان: فنجان باید به شکل "U" و شبیه به کاسه باشد. اگر انتها به شکل "V" باشد الگو بیش از حد تیز به حساب می‌آید و وارونگی محسوب می‌شود. اگر "U" شکل گردتری داشته باشد مطمئن باشید که در دو طرف فنجان دو نقطه ماکسیمم مساوی وجود دارد، اما همیشه اینطور نیست.
- دسته: پس از آنکه قیمت بالا در سمت راست فنجان تشکیل شد، یک بازگشت به وجود می‌آید که دسته را شکل می‌دهد. پاره ای مواقع این دسته شبیه پرچم عادی یا سه گوشه است که به سمت پائین شیب دارد و در بقیه موارد فقط یک بازگشت کوتاه است. دسته نشان دهنده تثبیت و بازگشت نهایی قبل از شکست بزرگ است و می‌تواند حداکثر تا یک سوم صعود فنجان بازگشت داشته باشد اما معمولاً از آن بیشتر نمی‌شود. هرچه بازگشت کمتر باشد، ساختار بیشتر بالا رو "Bullish" و شکست قابل توجه تر خواهد بود. بعضی مواقع احتیاط حکم می‌کند منتظر شکست بالایی خط مقاومتی که قیمت های بالایی فنجان آن را ایجاد کرده اند، بمانید.
- طول مدت: فنجان می‌تواند از یک تا شش ماه، و گاهی در نمودارهای هفتگی بیشتر ادامه یابد. دسته از یک تا چند هفته به طول می‌انجامد.
- حجم: میزان قابل توجهی از افزایش حجم باید در شکست بالایی مقاومت دسته روی دهد.
- هدف: صعود پیش بینی شده پس از شکست را می‌توان با اندازه گیری فاصله بالاترین نقطه سمت راست فنجان تا ته آن بر آورد کرد.

پرچم ها الگوهاي تداوم کوتاه مدتي هستند که قبل از آنکه حرکت قبلي از سر گرفته شود، تثبیت مختصري را نشان مي دهند. این الگوها معمولا به دنبال افزایش یا کاهش شدید با حجم سنگین به وجود مي آیند و نقطه وسط حرکت را مشخص مي کنند. ابتدا شاهد یک حرکت شدید هستیم و بعد از آن یک برگشت کوچک شکل مي گیرد و پس از آن حرکت ادامه مي يابد. (شکل 6-6)



شکل 6-6

تشخیص الگو

- حرکت تند: برای آنکه الگویی تداوم محسوب شود، باید نشان از یک گرایش اولیه وجود داشته باشد. پرچم مستلزم صعود یا سقوط شدید با حجم سنگین است. این حرکت ها با حجم روی می دهند و می توانند حاوی شکاف "Gap" باشند. چنین حرکتی معمولا اولین پایه صعود یا نزول قابل توجه را تشکیل می دهد و پرچم صرفا یک توقف است.
- میله پرچم: میله پرچم، اندازه تغییر قیمت در اولین حرکت است. افزایش (یا کاهش) شدیدی که میله پرچم را به وجود می آورد، باید خط گرایش یا سطح مقاومت را بشکند. خطی که از این شکست به بالای پرچم امتداد می یابد، میله پرچم را تشکیل می دهد.
- پرچم عادی: پرچم معمولی یک الگوی مستطیل کوچک است که شبیهی خلاف گرایش قبلی دارد. اگر حرکت قبلی رو به بالا باشد، پرچم رو به پائین است. اگر حرکت رو به پائین باشد، پرچم رو به بالا است. از آنجایی که معمولا مدت زمان این الگو بسیار کوتاه است و نمی تواند نقطه مینیمم یا ماکسیمم مشخصی داشته باشد، عملکرد قیمت باید بین دو خط گرایش موازی قرار بگیرد.
- پرچم سه گوش: این الگو مثلث کوچک متقارنی است که در آغاز عرض زیادی دارد و با تکمیل الگو همگرا می شود (مانند یک مخروط) که معمولا شیب آن خنثی است. بعضی مواقع قیمت های مینیمم، ماکسیمم که بتوان با آنها خطوط گرایش را ترسیم کرد، به وجود نخواهند آمد و عملکرد قیمت باید بین خطوط گرایش همگرا قرار بگیرد.

- شکست: شکست بالاي مقاومت براي یک پرچم عادي يا سه گوش بالا رو، به آن معناست که صعود قبلي از سر گرفته شده است. در یک پرچم عادي يا سه گوش پايين رو، شکست زیر مقاومت پشتيبان نشانه آن است که نزول قبلي از سر گرفته شده است.
- حجم: حجم باید در طول صعود يا نزولي که میله پرچم را ایجاد مي کند، سنگین باشد. حجم سنگین، حرکت ناگهاني و شدیدی که میله پرچم را مي سازد، توجیه مي کند. گسترش حجم روي شکست مقاومت اعتبار ساختار الگو و احتمال تداوم آن را قوت مي بخشد.
- هدف: براي تخمین زدن صعود يا نزول، مي توان طول میله پرچم را به شکست مقاومت پرچم عادي يا سه گوش اضافه کرد.



شکل 6-7

اگر چه پرچم هاي معمولي و سه گوش ساختارهاي متداولي دارند، راهنماهاي شناسايي آنها را نبايد بي اهميت تلقي کرد. اينکه قبل از پرچم ها یک صعود يا نزول شديد وجود دارد، نکته حائز اهميتي است. اعتبار ساختار بدون یک حرکت سريع، جاي تردید دارد و معامله حائز ريسک بيشتري خواهد بود. براي افزايش توان شناسايي الگو به دنبال تائيد حجم در حرکت ابتدايي، تثبيت و از سرگيري باشيد.

مستطیل (Rectangle)

مستطیل، یک الگوي تداوم است و طی یک توقف در گرايش به صورت یک دامنه معاملاتي تشكيل مي شود. اين الگو توسط دو قیمت بالاي مشابه و دو قیمت پائين مشابه بسادگي قابل شناسايي است. از اتصال قيمتهای بالا و پائين، دوخط موازي تشكيل مي شود که بالا و پائين مستطیل را مي سازند. گاهي به الگوهاي مستطیل، دامنه معامله (Trading Range) يا مناطق انباشتگي (Accumulation) هم مي گويند. (شکل 6-8)



شکل 6-8

تشخیص الگو

- گرایش: برای آنکه الگویی تداوم داشته باشد، باید از قبل یک گرایش موجود باشد. هر چه گرایش کاملتر باشد، شانس تداوم نشان دادن الگو کمتر است.
- چهار نقطه: برای تشکیل خط مقاومت بالا حداقل دو ماکسیمم برابر و برای تشکیل خط حمایت پائین دو مینیمم برابر لازم است. لازم نیست این دو دقیقا مساوی باشند اما باید از نزدیکی منطقی برخوردار باشند. نه به عنوان یک پیش نیاز، بلکه ترجیحا بهتر است قیمت های بالا و پائین یک در میان (دارای تناوب) باشند.
- حجم: برخلاف مثلث متقارن، مستطیل ها، الگوهای استاندارد حجم نیستند. بعضی مواقع حجم، با تکمیل شدن الگو، کاهش می یابد و درقیه مواقع نیز حجم همچنان که قیمتها بین مقاومت، بالا و پائین می روند، دچار تغییر می شود. بندرت با کامل شدن الگو حجم افزایش می یابد. اگر حجم کاهش یابد، بهترین کار آن است که برای تأیید به دنبال یک افزایش روی شکست باشیم.
- مدت زمان: مستطیل ها می توانند از چند روز تا چند هفته تداوم داشته باشند. کلا هر چه الگو طولانی تر باشد، شکست قابل توجه تر خواهد بود.
- جهت شکست: جهت حرکت مهم بعدی را فقط پس از آنکه شکست روی دهد می توان تعیین کرد. مستطیل ها مانند مثلث متقارن الگوهای بی طرفی هستند که به جهت شکست آینده وابسته اند. الگوهای حجم گاهی می توانند نشانه هایی در برداشته باشند. اما تا شکست مقاومت شکل نگیرد، تأییدی وجود نخواهد داشت.
- تأیید شکست: برای آنکه شکستی معتبر به شمار آید، باید یک نمودار شمعی از یکی از خط های مقاومت رد شود و نمودار شمعی جدیدی خارج از مستطیل تشکیل شود.
- بازگشت به شکست: بعضی مواقع بعد از شکست مقاومت، بازگشتی به سطح مقاومت صورت می گیرد.
- بازگشت به سطح شکست اولیه یا نزدیک به آن می تواند فرصت دیگری برای مشارکت فراهم آورد.
- هدف: حرکت برآورد شده با اندازه گیری ارتفاع مستطیل و اضافه کردن آن به شکست به دست می آید.

مستطیل ها نشان دهنده دامنه معامله ای هستند که تقاضا را در مقابل عرضه قرار می دهد. وقتی قیمت به مقاومت پشتیبان نزدیک می شود، خریداران گام پیش می گذارند و قیمت ها را بالاتر می برند. وقتی قیمت به مقاومت بالا نزدیک می شود فروشندگان قدرت را به دست می گیرند و قیمت ها را کاهش می دهند. معامله گران زیرک بعضی مواقع با خرید نزدیک مقاومت پشتیبان و فروش نزدیک مقاومت بالا، این نوسانات را به بازی می گیرند. دراین میان یک

گروه از پا در می آید و وقتی شکست به وقوع بپیوندد، برنده مشخص می شود (رقابت بین عرضه و تقاضا). به خاطر داشتن این نکته مهم است که مستطیل ها یک تمایل خنثی دارند. با اینکه بعضی وقتها می توان از الگوهای حجم نشانه هایی به دست آورد اما عملکرد واقعی قیمت نشان دهنده یک بازار دچار تضاد است. فقط وقتی نمودار قیمت مقاومتی را بشکند، مشخص می شود کدام گروه مبارزه را برده است.

حرکت سنجیده (Measured bull/bear)

حرکت سنجیده یک ساختار سه قسمتی است که بصورت یک الگوی وارونگی آغاز می شود و بصورت یک الگوی تداوم ادامه می یابد. این الگو معمولا بلند مدت است و شکل گیری آن چند ماه به طول می انجامد و می تواند بالا رو یا پایین رو باشد که به آنها حرکت سنجیده بالا رو (Measured Bull) و حرکت سنجیده پایین رو (Measured Bear) می گوئیم. شکل 6-9 نمونه ای از حرکت سنجیده بالا رو است.



شکل 6-9

تشخیص الگو

- گرایش اولیه: برای آنکه اولین نزول یک وارونگی محسوب شود، باید یک گرایش صعودی اولیه وجود داشته باشد که وارونه شود. به دلیل آنکه حرکت سنجیده بالا رو می تواند به عنوان بخشی از یک صعود بزرگتر باشد، طول و شدت صعود قبلی می تواند از چند هفته تا چندین ماه متغیر باشد.
- نزول: اولین نزول معمولا نزدیک قیمت های بالای صعود قبلی آغاز می شود و برای چند هفته یا چندین ماه ادامه می یابد. نزول در شرایط ایده آل، نسبتا منظم و طولانی است با یک رشته نقاط مینیمم، ماکسیمم نزولی یک کانال قیمت تشکیل می دهد. احتمال تشکیل نزول هایی با نظم کمتر وجود دارد اما خطر شکل گیری یک الگوی متفاوت را با خود دارد.
- ایستایی: پس از یک نزول مداوم می توان انتظار ایستایی داشت. در صورت ایستایی، یک الگوی تداوم نظیر مستطیل یا مثلث صعودی امکان پذیر است. اندازه موج بازگشتی 30 تا 60 درصد صعود قبلی است. الگوهای

- ممکن شامل یک پرچم بزرگ با شیب رو به پائین یا گوه نزولی خواهند بود که در قسمت بعد به مطالعه گوه می پردازیم.
- حجم: حجم باید در آغاز صعود اولیه افزایش یابد، در پایان، موج برگشتی کاهش یافته و مجدداً در آغاز صعود دوم افزایش یابد.

حرکت سنجیده بالا رو می تواند از چند الگو تشکیل شود. برای آغاز موج برگشتی پایین رو می توان یک ماکسیمم دوتایی، در طول نزول موج برگشتی یک کانال قیمت، یک مثلث رو به بالا شروع صعود دوم و همچنین یک کانال قیمت دیگر برای صعود دوم داشت. در خلال بازارهای چند ساله بالا رو یا پایین رو مجموعه ای از حرکت‌های سنجیده می تواند به وجود آید.

گوه (Wedge)

گوه گرایشی بالا رو یا پایین رو است که قدرت گرایش بتدریج کم می شود. در اینجا به بررسی یک گوه پایین رو می پردازیم. الگو در بالا بصورت عریض آغاز می شود و با پائین تر رفتن قیمت ها از عرض آن کم می شود. این عملکرد قیمت یک مخروط (قیف) تشکیل می دهد که با همگرا شدن قیمت های بالا و قیمت های پائین شیب نزولی می یابد. گوه های سرازیر برخلاف مثلث های متقارن که هیچ شیب مشخص و تمایلی ندارند، به سمت پائین شیب دارند. هر چند این تمایل تا زمان شکست مقاومت، قابل تشخیص نیست.



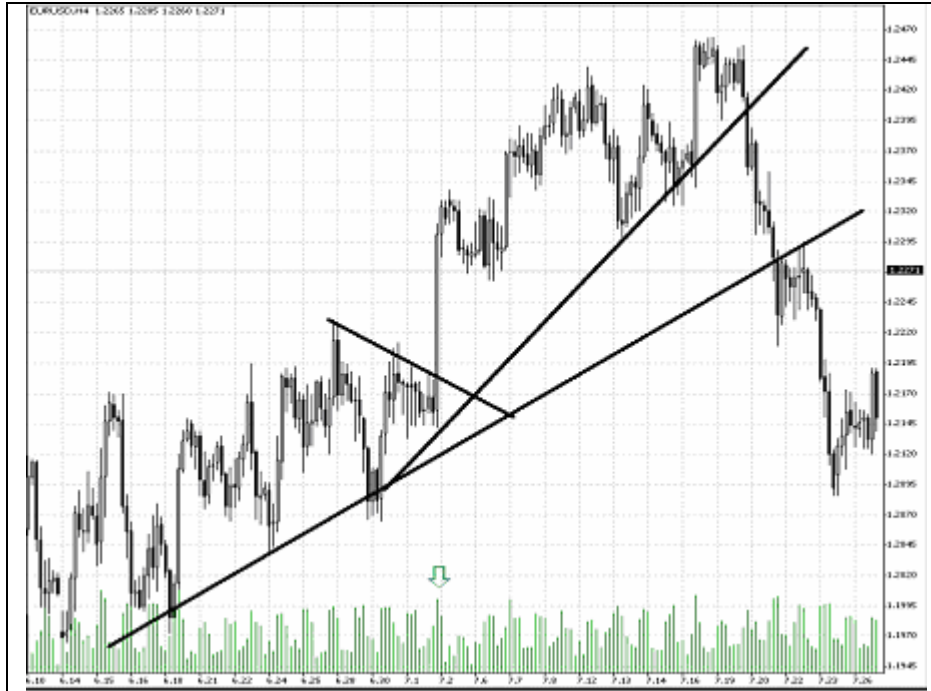
شکل 6-10

- گرایش اولیه: برای آنکه الگویی وارونه تلقی شود، باید برای وارونه شدن گرایش اولیه ای وجود داشته باشد. بهترین حالت آن است که گوه سرازیر پس از یک گرایش نزولی ادامه یافته شکل بگیرد و آخرین قیمت پائین را ایجاد کند.
- خط مقاومت بالا: برای تشکیل خط مقاومت بالایی حداقل دو نقطه ماکسیمم، که اگر سه نقطه باشد بهتر است، لازم است. هر ماکسیمم باید از ماکسیمم قبلی پائین تر باشد.
- خط مقاومت پائین: برای تشکیل خط مقاومت پائین حداقل دو نقطه مینیمم لازم است. هر مینیمم باید از مینیمم قبلی کمتر باشد.
- همگرایی خطوط مقاومت: خط مقاومت بالایی و خط حمایت پائینی باید همگرا باشند و در جهت تکمیل الگو یک مخروط تشکیل دهند. با گذشت زمان شیب منفی مقاومت پشتیبان، رو به کاهش می رود که این بمعنای کم شدن قدرت گرایش پایین رو است.
- همگرایی واگرایی میانگین متحرک: نشانگر "MACD" باید کاهش قدرت گرایش را به شکل واگرایی مثبت نشان دهد.
- شکست مقاومت: تازمانی که خط مقاومت به نحو قانع کننده ای شکسته نشود، تأیید بالا رو نداریم. بعضی وقتها احتیاط حکم می کند منتظر بمانیم تا شکست بالاتر از آخرین ماکسیمم رخ دهد.
- حجم: با اینکه در گوه های سربالا حجم از اهمیت خاصی برخوردار نیست اما برای تأیید شکست گوه سرازیر، یک عامل ضروری است. بدون گسترش حجم، شکست فاقد اطمینان لازم است و امکان عدم موفقیت آن وجود دارد.

گوه یکی از دشوارترین الگوهای نموداری از نظر شناسایی دقیق است. وقتی مینیمم، ماکسیمم ها مانند گوه سرازیر، شکل می گیرد، سهام در گرایش نزولی، تکنیک گراها را نسبت به وارونگی بالقوه گرایش هوشیار می کند. اگر چه ممکن است فشارفروش رو به کاهش داشته باشد، اما تازمانی که مقاومت شکسته نشود، تقاضا قدرت نمی گیرد. در اینجا هم مانند اغلب الگوها به انتظار شکست ماندن و تلفیق دیگر جنبه های تحلیل فنی برای تأیید علائم، اهمیت دارد.

ضربه و گریز (Bump and Run)

ضربه و گریز، یک الگوی برگشتی است که پس از آنکه داد و ستد های افراطی قیمتها را بیش از حد سریع و بسیار بالا می راند، شکل می گیرد. سه مرحله اصلی در این الگو مرحله تشکیل، ضربه و گریز است. ما این مراحل را مورد بررسی قرار می دهیم و در ادامه به حجم و تأیید الگو نیز خواهیم پرداخت.



شکل 6-11

تشخیص الگو

- مرحله تشکیل: اولین بخش الگو، مرحله تشکیل است که اساس ترسیم خط گرایش را تشکیل دهد. در طول این مرحله، قیمت ها به صورت منظم بالا می روند و معاملات افراطی در کار نیست. خط گرایش باید دارای شیب ملایمی باشد. اگر شیب آن زیاد باشد، آن وقت تشکیل ضربه آن بعید است. برای خط گرایش یک زاویه 30 تا 45 درجه مناسب است. اندازه زاویه به نوع مقیاس آن و اندازه نمودار بستگی دارد. شاید قضاوت در مورد درستی خط گرایش با ارزیابی چشمی آسان تر باشد.
- مرحله ضربه: ضربه با یک صعود قیمت شدید شکل می گیرد و قیمت ها بیشتر از خط گرایش اولیه فاصله می گیرند. در بهترین حالت، زاویه خط گرایش از صعود ضربه باید حدود 50% بیشتر از زاویه خط گرایش در مرحله تشکیل باشد. این زاویه بصورت تقریبی بین 40 تا 60 درجه خواهد بود. اگر اندازه گیری زاویه ها ممکن نباشد، برآورد چشمی کفایت می کند.
- اعتبارضربه: دانستن این موضوع که ضربه نشانه یک صعود شدید است و نمی تواند چندان دوام بیاورد، اهمیت دارد. فاصله بین بالاترین قیمت بالای ضربه با خط گرایش اولیه باید حداقل دو برابر فاصله بالاترین قیمت بالای اولیه با خط گرایش اولیه باشد. این فاصله ها را می توان با ترسیم یک خط عمودی از بالاترین قیمت ها، بالا به خط گرایش اولیه اندازه گیری کرد.
- ادامه ضربه: قیمت پس از آنکه گرایش شدید متوقف می شود، شروع به کاهش می کند و یک نقطه ماکسیمم شکل می گیرد. مجموعه ای از نقطه های ماکسیمم ایجاد می شود. قیمت ها به سوی خط گرایش اولیه نزول می کنند و سمت راست ضربه شکل می گیرد.
- حجم: با ترقی قیمت در طول مرحله اولیه، حجم معمولاً در حد متوسط یا پائین است. وقتی صعود شدید شروع به شکل دادن سمت چپ ضربه می کند، با سرعت گرفتن افزایش قیمت، حجم افزایش می یابد.
- مرحله گریز: مرحله گریز وقتی شروع می شود که الگو خط گرایش اولیه را می شکند. قیمت ها بعضی مواقع قبل از نفوذ درنگ کرده یا از خط گرایش بیرون می زنند. وقتی شکست رخ می دهد، مرحله گریز غالب می شود و نزول قیمت ادامه می یابد.
- تبدیل مقاومت: بعضی مواقع پس از شکست خط گرایش، بازگشتی وجود دارد که سطح تازه ایجاد شده مقاومت را محک می زند. سطح بالقوه مقاومت پشتیبان به مقاومت بالا تبدیل می شود.

همانطور که گفته شد، این الگو برای شناسایی صعود های شدید که برای مدتی طولانی دوام نمی آورند، طراحی شده است. چون قیمت ها برای شکل دادن سمت چپ ضربه، بسیار سریع بالا می روند، نزول پیامد آن نیز می تواند به همان نسبت شدید باشد.

پائین و بالای دوقلو (Double Top and Bottom)

پائین و بالای دوقلو الگوهای وارونگی مهمی هستند که پس از یک گرایش نزولی یا صعودی شکل می گیرند و همانگونه که از نام آنها بر می آید، از دو نقطه پائین یا بالای پشت سر هم که تقریباً مساوی هستند، تشکیل می شوند. در اینجا به بررسی دقیق تر پائین های دوقلو که قابل تعمیم به بالای دوقلو نیز هست، می پردازیم.



شکل 12-6

تشخیص الگو

- گرایش قبلی: در هر الگوی برگشتی باید گرایشی وجود داشته باشد که تغییر جهت دهد. در مورد پائینهای دوقلو باید گرایش نزولی قابل ملاحظه ای موجود باشد.
- اولین نقطه پائین: اولین نقطه پائین باید ترین نقطه گرایش جاری را نشان دهد. اولین نقطه پائین به خودی خود، ظاهری نسبتاً عادی دارد و گرایش نزولی قاطعانه به موجودیت خود ادامه می دهد.
- نقطه اوج: پس از اولین نقطه پائین، صعودی روی می دهد که دامنه آن از 10 تا 20 درصد کل نزول است. حجم این صعود از اولین نقطه پائین، معمولاً بی اهمیت است. بعضی اوقات نمودار در نقطه اوج قدرت و حجم زیادی برای بالا رفتن ندارد و این درنگ نشان می دهد تقاضا رو به افزایش است اما برای وقوع یک شکست به قدر کافی قوی نیست.
- دومین نقطه پائین: نزول از نقطه اوج، معمولاً با حجم پائین روی می دهد و با مقاومت پائین اول مواجه می شود. باید انتظار مقاومت قیمت پائین قبلی را داشت اما پائین دوم حداکثر تا 3% فاصله پائین اول تا نقطه اوج امکان پایین رفتن دارد و اگر پایین رو بیشتر بود، دیگر معتبر نیست.
- صعود از پائین دوم: حجم در پائین دوم بیشتر اهمیت دارد. در طول صعود از نقطه پائین دوم باید شواهدی وجود داشته باشد که مشخص کند حجم و فشار خرید در حال سرعت گرفتن است. حرکت رو به بالای تسریع شده که شاید با شکاف نیز همراه باشد تغییر بالقوه در تمایل را نشان می دهد.

- شکست مقاومت: نقطه اوج گرایش حتی پس از معامله تا سطح مقاومت هنوز کامل نیست. شکست مقاومت بالا، الگوی پائین دوقلو را تکمیل می کند. این امر نیز باید با افزایش حجم و یا صعود تسریع شده همراه باشد.
- تبدیل مقاومت: مقاومت بالایی شکسته شده به مقاومت پشتیبان بالقوه تبدیل می شود و بعضی اوقات پس از شکست قیمت یک بار به این سطح بر می گردد که سطح مقاومت جدید با این حرکت محک می خورد. چنین آزمونی می تواند برای بستن یک موقعیت یا معامله کوتاه یا آغاز کردن یک موقعیت بلند شانس دیگری فراهم آورد.
- هدف قیمت: فاصله بین شکست مقاومت بالا تا مینیمم ها می تواند به بالایی شکست مقاومت اضافه شود تا هدفی را تخمین بزند. این به آن معناست که هر چه ساختار بزرگتر باشد، صعود احتمالی شدید تر خواهد بود.

نشانگرهایی مانند "On Balance Volume" و "Accumulation/Distribution Line" می توانند برای یافتن نشانه های فشارخرد مورد استفاده قرار گیرند. به انتظار شکست مقاومت نشستن مهم است. تا زمانی که نقطه اوج از بین نرفته باشد، ساختار کامل نخواهد بود.

پائین و بالای سه قلو (Triple Top and Bottom)

پائین و بالای سه قلو یک الگوی وارونگی است که از سه قیمت پائین یا بالای مساوی و سپس یک شکست بالا یا پایین مقاومت شکل می گیرد. از آنجا که این الگو معمولا بلند مدت است، نمودارهای هفتگی و روزانه برای تحلیل مناسب تر هستند. اول هر قسمت الگو را جداگانه بررسی می کنیم.

در اینجا به بررسی دقیق تر یک پائین سه قلو که این نکات قابل تعمیم به بالای سه قلو نیز هستند، می پردازیم:



شکل 6-13

تشخیص الگو

- گرایش اولیه: با هر الگوی وارونگی باید گرایشی موجود باشد که وارونه شود. در مورد پائین سه قلو باید یک گرایش نزولی یا دامنه معامله طولانی وجود داشته باشد. بعضی مواقع یک گرایش نزولی پس از چندین ماه معامله یکسویه کم از بین می رود.
- سه نقطه پائین: هر سه پائین باید از برابری منطقی برخوردار باشند، فاصله مناسبی با هم داشته باشند و نقاط چرخش (عطف) مهمی به وجود آورند. این قیمت ها لازم نیست دقیقا با هم برابر باشند اما باید به طور منطقی متعادل باشند.

- حجم: معمولا" با شکل گرفتن پائین سه قلو، حجم نیز کاهش پیدا می کند. گسترش حجم پس از قیمت پائین سوم، در صعود و در شکست مقاومت به میزان زیادی درستی الگو را استحکام می بخشد.
- شکست مقاومت: پائین سه قلو همانند بسیاری دیگر از الگوهای وارونگی، تا مقاومت را نشکند، تکمیل نمی شود. بالاترین نقطه ساختار که بین قیمت های بالا است، مقاومت را مشخص می کند.
- تبدیل مقاومت: مقاومت شکسته شده، به مقاومت پشتیبان بالقوه تبدیل می شود و بعضی اوقات یک بار قیمت تا این ناحیه بر می گردد و پس از آن حرکت اصلی شکل می گیرد که به این ترتیب سطح مقاومت جدید محک می خورد. از آنجا که پائین سه قلو یک الگوی بلند مدت است، ممکن است آزمایش مقاومت جدید زیاد طول بکشد.
- هدف قیمت: فاصله بین شکست مقاومت تا مقاومت پشتیبان را اندازه گیری کرده و برای یک هدف قیمت به شکست مقاومت بالا اضافه می کنیم. هرچند الگو طولانی تر باشد، شکست نهایی از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

در روند تکمیل، الگوی پائین و بالای سه قلو شباهت هایی به چند الگو پیدا می کند. الگو، قبل از شکل گیری پائین سه قلو، شبیه به پائین دوقلو می شود. پائین سه قلو را می توان در مثلث یا مستطیل نزولی نیز یافت. بین این الگوها فقط مثلث نزولی زمینه پایین رو دارد و بقیه تا شکست اتفاق بیفتد، بی طرف هستند. به همین ترتیب باید تا رخ دادن شکست، پائین سه قلو را بی طرف به شمار آورد. الگو بالا رو است اما تا مقاومت نشکند، تقاضا در مبارزه به پیروزی نرسیده است. حجم در آخرین صعود می تواند حاوی یک نشانه باشد. اگر حجم و "Momentum" افزایش شدیدی داشته باشند، آنوقت شانس شکست افزایش می یابد.

وقتی به دنبال الگو هستید، این نکته مهم را در نظر داشته باشید که تحلیل فنی، بیشتر یک هنر و کمتر یک علم است. تفسیر الگو باید نسبتا خاص باشد اما نه بیش از حد، مو به مو که به روح الگو خدشه وارد آورد. یک الگو ممکن است با تعریف خود کاملا همخوانی نداشته باشد اما این موضوع نباید از قابلیت آن بکاهد. به طور مثال: شاید یافتن یک پائین سه قلو با سه پائین که دقیقا برابر است، مشکل باشد اما با این همه اگر قیمت های پایین به طور منطقی به هم نزدیک باشند و دیگر جنبه های تحلیل فنی با آن مطابقت نشان دهد، آنگاه روح الگوی پائین سه قلو را در خود دارد. این روح سه تلاش در مقاومت و سپس یک شکست مقاومت با تأیید حجم خواهد بود.

سر و شانه (Head and Shoulder)

سر و شانه پس از گرایش صعودی شکل می گیرد و تکمیل آن به تغییر جهت گرایش می انجامد. این الگو شامل سه نقطه ماکسیمم پی در پی است که نقطه میانی (سر) بالاترین و نقاط دو طرف (شانه ها) پائین تر و تقریبا برابر هستند. عکس این شکل در گرایش های پایین رو با نقاط مینیمم به شکل سر و گردن شکل می گیرد. در اینجا به بررسی الگوی سر و گردن پایین رو که نکات مربوط به آن قابل تعمیم هستند، می پردازیم.



شکل 6-14

با وصل کردن مینیموم ها مقاومت پشتیبان کلیدی به نام خط گردن تشکیل می شود. الگوی سر و شانه، همانطور که از نامش بر می آید، از شانه چپ، سر، شانه راست و خط گردن تشکیل می شود. بخش های دیگری که در این الگو نقش دارند، عبارتند از: حجم، شکست و هدف قیمت. ما هر بخش را جداگانه بررسی می کنیم.

تشخیص الگو

- گرایش اولیه: سر و شانه الگوی وارونگی است و وجود یک گرایش صعودی اولیه برای این الگو، دارای اهمیت است. بدون گرایش صعودی اولیه برای تغییر جهت، الگوی سر و شانه یا هر الگوی وارونگی دیگری نمی تواند به وجود بیاید.
- شانه چپ: شانه چپ که در گرایش صعودی است، یک نقطه اوج شکل می دهد که نقطه ماکسیمم گرایش جاری را می سازد. پس از ایجاد این نقطه اوج، یک نزول روی می دهد که ساختار شانه را تکمیل می کند. قیمت مینیموم نزول اول معمولا بالای خط گرایش اولیه باقی می ماند و گرایش صعودی را دست نخورده نگه می دارد.
- سر: از قیمت پائین شانه چپ، صعود آغاز می شود که از قیمت بالای قبلی فراتر رفته و قسمت بالای سر را تشکیل می دهد. پس از اوج گیری، قیمت مینیموم نزول بعد از سر، دومین نقطه خط گردن را شکل می دهد. قیمت پائین نزول معمولا خط گرایش صعودی را می شکند و آن را به مخاطره می اندازد.
- شانه راست: صعود از قیمت مینیموم سر، شانه راست را شکل می دهد. این نقطه اوج از سر پائین تر (قیمت ماکسیمم پائین تر) و معمولا با قیمت بالای شانه چپ در یک خط است. با اینکه تقارن شانه ها ارجح است اما بعضی مواقع آنها نامتقارن هستند. نزول از نقطه اوج شانه چپ باید خط گردن را بشکند.
- خط گردن: خط گردن با وصل شدن نقاط مینیموم به وجود می آید. خط گردن، بسته به رابطه بین دو نقطه مینیموم، می تواند سر بالا، سرپائین یا افقی باشد. شیب خط گردن بر درجه پایین رو بودن الگو تاثیر دارد: یک شیب رو به پائین بیشتر از شیب رو به بالا، پایین رو است.
- حجم: حجم با ظاهر شدن الگوی سر و شانه ها، نقش مهمی در تأیید ایفا می کند. حجم را می توان به عنوان یک نشانگر "MFI" ، "OBV" یا صرفا با تحلیل سطوح آن، اندازه گیری کرد. بهترین حالت آن است که حجم در طول صعود از شانه چپ بالاتر از حجم در طی صعود از سر باشد اما همیشه چنین نیست. این کاهش حجم به همراه قیمت های بالای جدید که سر را تشکیل می دهند، علامت هشدار هستند. هشدار بعدی زمانی

خواهد بود که حجم طی نزول از نقطه بالایی سر افزایش یابد. تأیید نهایی زمانی حاصل می شود که حجم در طی نزول از شانه راست، بیشتر افزایش یابد.

- شکست خط گردن: تا زمانی که مقاومت خط گردن نشکند، الگوی سر و شانه کامل نبوده و گرایش صعودی وارونه نمی شود. بهترین حالت آن است که این کار نیز به نحو قابل قبولی به همراه افزایش حجم انجام شود.
- تبدیل مقاومت: وقتی مقاومت پشتیبان شکسته شود، معمولاً همین سطح به مقاومت بالا تبدیل می شود. بعضی مواقع قیمت به مقاومت شکسته شده باز می گردد و فرصت دیگری برای فروش فراهم می آورد.
- هدف قیمت: پس از شکست خط گردن، کاهش قیمت پیش بینی شده از اندازه گیری فاصله بین خط گردن تا بالایی سر به دست می آید. سپس برای رسیدن به هدف قیمت، این فاصله را از خط گردن کم می کنند. هر هدف قیمتی را باید یک دستورالعمل تقریبی به حساب آورد و دیگر عوامل را نیز در نظر داشت. این عوامل می توانند شامل سطوح قبلی مقاومت، بازگشت های فیوناچی یا میانگین های متحرک بلند مدت باشند.

کف مدور (Rounding Bottom)

الگوی کف مدور یک الگوی وارونگی بلند مدت است که برای نمودارهای هفتگی مناسب تر است. این الگو نشان دهنده یک دوره تثبیت طولانی است که از تمایل پایین رو به تمایل بالا رو مبدل می شود.



شکل 6-15

تشخیص الگو

- گرایش اولیه: برای آنکه الگوی وارونگی محسوب شود، باید گرایش اولیه ای برای وارونه شدن وجود داشته باشد.
- کاهش قیمت: اولین بخش الگوی کف مدور کاهش قیمت است که به قیمت پائین الگو منجر می شود. این کاهش می تواند به شکل تعدادی قیمت های بالا و پائین که کاملاً حالت دندانه دار دارند و یا به صورت خط صاف باشد.
- قیمت پائین: قیمت پائین الگوی کف مدور می تواند به شکل "V" در پائین باشد اما نباید بیش از حد تیز باشد و لازم است شکل گیری آن چند هفته طول بکشد.

- صعود: صعود از قیمت های پائین، نیمه راست الگو را شکل می دهد و باید به همان میزان نزول قبلی زمان ببرد. اگر صعود بیش از حد شدید باشد، آنوقت اعتبار این الگو می تواند زیر سوال برود.
- شکست: وقتی الگو، قیمت ماکسیمم قبلی را بشکند، تأییدی برای بالا رفتن قیمت ها است. مانند اغلب شکست های مقاومت، این سطح می تواند به مقاومت پشتیبان تبدیل شود.
- حجم: در یک الگوی ایده آل، سطوح حجم تابع شکل الگوی کف مدور هستند. حجم در نزول اهمیت زیادی ندارد. اما در صعود و ترجیحا در شکست باید افزایش یابد.

الگوی کف مدور را می توان بدون شانه هایی که به آسانی قابل تشخیص باشند، الگوی سروشانه فرض کرد. سر نشانه قیمت پائین و تقریباً در مرکز الگوست. الگوهای حجم شبیه به هم هستند و تأیید آنها با شکست مقاومت است. با اینکه در این الگو تقارن ارجح است، اما از نظر زمان یا شیب دو سمت راست و چپ لزوماً با هم برابر نیستند، آنچه اهمیت دارد، دریافت ماهیت الگوست.